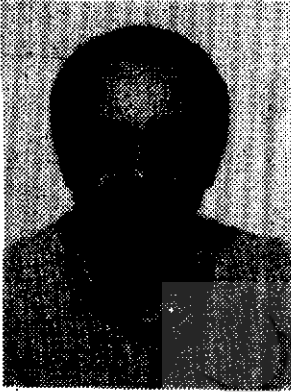


یورو، پول واحد اروپایی

سابقه، کارکرد، آینده



دکتر هرمز همایون پور

۳۸۵

از آغاز ژانویه ۱۹۹۹، پول واحد اروپایی که «یورو» (یا «ارو») (Euro) نام دارد، جایگزین پولهای ملی ۱۱ کشور از اعضای اتحادیه اروپا شد: آلمان، فرانسه، ایتالیا، بلژیک، هلند، لوکزامبورگ، اسپانیا، پرتغال، اتریش، ایرلند، و فنلاند. کشورهای دیگری نظیر یونان و سوئد - و احتمالاً بریتانیا - نیز در چند ساله آینده به این نظام پولی خواهند پیوست. به جریان افتادن اروپا، بی تردید، موجب تحولات اقتصادی و پولی - و حتی سیاسی - عمده‌ای در اروپا و جهان خواهد شد. در این مقاله، که از آکونومیست و سایر نشریات خارجی نقل شده است، اطلاعاتی درباره سابقه و چگونگی شکل‌گیری این پول واحد در اختیار خوانندگان علاقه‌مند قرار

هرمز همایون پور

می‌گیرد.

در طول چندساله گذشته، آن قدر درباره یورو - و بحثها و تردیدهای مربوط آن - صحبت شده است که ولادت بالفعل آن از اول ژانویه ۱۹۹۹ احتمالاً دیگر همچنان چندانی برنمی‌انگیزد، اما باید توجه داشت که هم تولد و پیدایش این پول بالنسبه با سرعت زیادی همراه بوده است، و هم تأثیر آن از بسیاری جهات عظیم خواهد بود. یورو، بی تردید، امور اقتصادی اروپا را دگرگون خواهد کرد، آینده اتحادیه اروپا به آن وابستگی پیدا خواهد کرد، و حتی ممکن است باعث تغییر نظام پولی بین‌المللی شود.

با این همه، مصرف‌کنندگان اروپایی خیلی به سرعت متوجه ورود یورو و تغییرات ناشی از

آن نخواهند شد. زیرا اسکناسها و سکه‌های ملی تا سه سال دیگر معتبر بوده و جریان خواهند داشت؛ فقط در سال ۲۰۰۲ است که این مصرف‌کنندگان با یورو به صورت نقدینه جاری روبرو خواهند شد. با این حال، از سال آینده، یک اسکناس «ده مارکی» در واقع فقط واحد یا مخرجی از یورو خواهد بود. بانکها حسابهای جاری به یورو افتتاح خواهند کرد، و تا سال ۲۰۰۲ نوعی قیمت‌گذاری دوگانه (به پول ملی و یورو) جریان خواهد داشت.

در این جریان، نگرانیهای عمده‌ای ابراز می‌شود. پاره‌ای از اقتصاددانان استدلال می‌کنند که یورو باعث افزایش بیکاری در اروپا - که هم‌اکنون نیز نرخ بالایی دارد - خواهد شد. برخی از سیاستمداران - نه فقط در بریتانیا - از این امر که یورو فواید پشتیبانی عمومی کافی است هراسناکند. تعدادی از منتقدان نیز به این موضوع اشاره می‌کنند که تاکنون شاهد نمونه‌هایی اندک از کشورهای حاکمی بوده‌ایم که با موفقیت توانسته باشند در پولی واحد با دیگران شریک شوند و کار آنها ادامه یافته باشد.

کشورهایی که در یورو شرکت می‌کنند، موافقت کرده‌اند که از جهات اقتصادی و پولی قدرت زیادی به یک نهاد، یعنی بانک مرکزی اروپایی (European Central Bank)، تفویض کنند. این بانک، از اوّل ژوئن ۱۹۹۸ رسماً به کار آغاز کرده است. بانک مرکزی اروپا از دولتهای ملی مستقل است. در اساسنامه بانک، «حفظ ثبات پولی» به عنوان «هدف اصلی» آن تعیین شده است. در واقع امر، از ابتدای ژانویه ۱۹۹۹، این بانک در رأس بانکهای مرکزی کشورهای عضو قرار خواهد گرفت و مراقب آنها خواهد بود. البته رؤسای بانکهای مرکزی کشورها در شورای بانک مرکزی اروپا، که تعیین‌کننده سیاستهای آن است، عضویت دارند.

در طراحی نظام پولی جدید، رهبران اروپا به بسیاری از تجارب و عملکردهای ملی توجه کردند. به اصرار و تاکید آلمان، آنها در نهایت الگوی بوندسبانک (بانک مرکزی آلمان) را، که در این قرن مستقل‌ترین و کارآمدترین بانک مرکزی در اروپا بوده است، برگزیدند. در عین حال، استقلال هر نهادی عملاً نامحدود نیست. در آلمان، بوندسبانک در مسائلی چون تورم و مخالفت با کنترل سیاسی بر سیاست پولی عملاً از حمایت همگانی برخوردار بوده است.

اما در اروپا چنین حمایت همه‌جانبه‌ای وجود ندارد. برای مثال، فرانسه سیاست پولی را مقوله‌ای می‌داند که سیاستمداران نیز مثل مدیران بانک مرکزی باید در تدوین و شکل‌گیری آن سهم داشته باشند. گرهارد شرودر، نخست‌وزیر جدید آلمان، نیز ممکن است از این جهت با فرانسه هم‌آواز باشد. وزیر اقتصاد برگزیده او، اوسکار لافرتن، از هم‌اکنون روشن کرده است که خواهان کنترل بیشتر سیاسی بر سیاستهای پولی است.

فرانسه، به علاوه، برای «یورو - ۱۱» نقشی گسترده قائل است؛ «یورو - ۱۱» گروهی

غیررسمی متشکل از وزیران اقتصاد کشورهای عضو است که وزنه‌ای سیاسی در برابر بانک مرکزی اروپا به حساب می‌آید.

از نظام پولی اروپا تا پول واحد اروپایی (یورو)

در همین حال، علی‌رغم مشکلات و برخوردهای نظری و عملی، کار تدارک پول واحد اروپایی با سرعت زیاد همراه بوده است. طراحی این پول را ادوار بالادور، وزیر اقتصاد وقت فرانسه (و نخست‌وزیر بعدی آن کشور) و هانس - دیتریش گنشر، وزیر خارجه وقت آلمان، در ۱۹۸۷-۱۹۸۸ پیشنهاد کردند.

رهبران اروپا، در کنفرانس سران هانور در ژوئن ۱۹۸۸، از ژاک دلور، رئیس وقت کمیسیون اروپا، خواستند که کمیته‌ای تشکیل دهد و گزارشی در باب وحدت اقتصادی و پولی اروپا ارائه نماید. کمیته دلور یک سال بعد گزارش خود را ارائه کرد که، بر اساس آن، وحدت اقتصادی و پولی در سه مرحله انجام می‌گرفت. مرحله اول، شامل تلاشی مشترک برای هماهنگ‌سازی سیاستهای پولی ملی بود. در مرحله دوم، نرخهای مبادله ارز در کشورهایی که می‌خواستند به عضویت نظام واحد پولی درآیند هماهنگ می‌شد، و یک موسسه پولی اروپایی به عنوان پیشقراول بانک مرکزی اروپا ایجاد می‌گردید. و در مرحله سوم، پول واحد تحت نظارت یک بانک مرکزی جدید به جریان می‌افتاد.

رهبران اروپا، اول ژوئیه ۱۹۹۰ را به عنوان آغاز مرحله اول تعیین کردند. این روز، از مدتی قبل، به عنوان تاریخ الفای کنترل سرمایه‌ها در داخل اتحادیه اروپا نیز تعیین شده بود. آنها همچنین تصمیم گرفتند کنفرانسی متشکل از دولتهای عضو اتحادیه اروپا برای تصمیمگیری نسبت به شرایط و تعهدات مربوط به ایجاد پول واحد تشکیل دهند. این کنفرانس در دسامبر ۱۹۹۰ در رم تشکیل شد و یک سال بعد در شهر ماستریخت، هلند، به پایان رسید. حاصل کار آن، تدوین «قرارداد ماستریخت» بود که یکی از بلندپروازانه‌ترین و بحث‌انگیزترین اسناد در تاریخ اتحادیه اروپا به شمار می‌رود.

یکی از مخالفان اصلی بریتانیا بود. مارگارت تاچر که از بیان مخالفت علنی خود با متحد شدن کشورهای اروپایی ابایی نداشت، درست به همین دلیل، مدتی قبل از سوی همکاران خود از مقام نخست‌وزیری برکنار شده بود. جانشین او، جان میجر، هر چند در اصل موضوع تفاوت نظری چندانی با خانم تاچر نداشت، از آنجا که متوجه شده بود که کشورهای اروپایی مصمم به پیش بردن این برنامه هستند، در بیان نظریات خود احتیاط بیشتری می‌کرد و صراحت کمتری

نشان می‌داد. در هر حال، او موفق شد که در کنفرانس ماستریخت موافقت سایر اعضا را به این موضوع جلب کند که بریتانیا در آغاز در پول واحد اروپایی شریک نشود اما در آینده، هر وقت که مایل بود، بتواند به این نظام پولی بپیوندد. وقتی مردم دانمارک، در رفراندوم ژوئیه ۱۹۹۲، با قرارداد ماستریخت مخالفت کردند، نسبت به دانمارک نیز گذشتی مشابه بریتانیا صورت گرفت و همان حق به دولت دانمارک نیز داده شد. بعد از مخالفت مردم دانمارک، فرانسویها در رفراندوم خود با اکثریتی ضعیف، ۵۱٪، پیوستن به قرارداد ماستریخت را تصویب کردند.

به این ترتیب، علی‌رغم مخالفتها و مشکلات، قرارداد ماستریخت بر جا ماند و هدف اصلی آن، یعنی ایجاد پول واحد اروپایی، بیش از پیش حالتی جدی به خود گرفت.

نظام پولی اروپایی (European Monetary System-EMS) قبلاً در سال ۱۹۷۹ ایجاد شده بود تا در جامعه اروپا (سلف اتحادیه اروپای کنونی) به تثبیت نرخهای مبادله اقدام کند. مرحله دوم گزارش دلار بر این پایه بود که نرخهای مبادله در داخل اتحادیه اروپا باید هر چه بیشتر تثبیت شده و تحت کنترل قرار گیرد، تا عملاً یک اتحادیه پولی برقرار شود و راه ایجاد پول واحد هموار گردد. اما وقتی بحران پولی بریتانیا و ایتالیا در سپتامبر ۱۹۹۲ آغاز شد و سرانجام فرانک فرانسه نیز تحت فشار قرار گرفت (ژوئیه ۱۹۹۳)، اوضاع رو به وخامت نهاد. بریتانیا و ایتالیا از نظام پولی اروپا کناره گرفتند و بانک آلمان به کمک فرانک آمد و، به این ترتیب، بحران به صورتی رفع شد و «مرحله دوم» از اول ژانویه ۱۹۹۳ آغاز گردید.

موسسه پولی اروپایی در فرانکفورت شروع به کار کرد، و در کنفرانس سران مادرید (در دسامبر ۱۹۹۵)، رهبران اروپا اعلام کردند که پول واحد اروپایی از اول ژانویه ۱۹۹۹ به جریان خواهد افتاد. در همان جا هم نام این پول به عنوان «یورو» تعیین شد.

سالهای ۱۹۹۶-۱۹۹۷ برای کشورهایی که می‌خواستند به پول واحد بپیوندند، دورانی پرتلاش بود تا شرایط این کار را در اقتصاد خود فراهم کنند. این شرایط و معیارها عبارت بودند از این که نرخ تورم و نرخ بهره‌های درازمدت در هر کشور نباید از $\frac{1}{4}$ و ۲ درصد تجاوز کند، میزان کسر بودجه از ۳٪ تولید ناخالص داخلی تجاوز نکند، بدهی عمومی کمتر از ۶۰٪ تولید ناخالص داخلی باشد. و نرخهای مبادله در مدت دو سال تثبیت شود.

در اعمال این شرایط و معیارها کشمکشهای سختی در گرفت و، در بعضی موارد، گذشتهایی نسبت به برخی از کشورها منظور شد. اما، در مجموع، همه کشورها برای انطباق خود به سختی تلاش کردند. ایتالیا، بخصوص، با تلاشهای سخت خود حیرت همسایگانش و بازارهای پولی را برانگیخت و بالاخره خود را آماده پیوستن به یورو کرد.

سرانجام، در دوم مه ۱۹۹۸، رهبران اروپا مشخص کردند که ۱۱ کشور دارای شرایط عضویت

یورو و کشورهای اروپایی

وضعیت	نرخ برابری با اکو*
عضو	اتریش = ۱۳/۹۱
عضو	بلژیک = ۴۰/۷۸
عضو	فنلاند = ۶/۰۱
عضو	فرانسه = ۶/۶۳
عضو	آلمان = ۱/۹۸
عضو	پاوند ایرلند = ۰/۷۹
عضو	ایریتالیا = ۱۹۵۷/۶۱
عضو	لوکزامبورگ = ۴۰/۷۸
عضو	هلند = ۲/۲۳
عضو	اسکودو = ۲۰۲/۶۹
عضو	پرتغال = ۱۶۸/۲۰
داوطلب عضویت	یونان = ۳۵۷/۰۰
فعالاً خارج	بریتانیا = ۰/۷۱**
فعالاً خارج	دانمارک = ۷/۵۴
داوطلب نیست	سوئد = ۹/۶۴***

* اکو، واحد پول جامعه اقتصادی اروپا (بازار مشترک)

** با نرخ برابری کنونی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شده‌اند. یونان که مایل به عضویت بود، به اعمال شرایط و معیارها موفق نشده بود. بریتانیا و دانمارک، با آنکه بسیاری از شرایط را اعمال کرده بودند، داوطلبانه فعالاً در خارج ماندند. و سوئد تصمیم گرفت کنار بماند (البته شرط تثبیت نرخ برابری را هم فاقد بود).

جالب نظر آن است که در مقررات یورو هیچ ترتیب قانونی یا عملی برای خروج کشورهای عضو پیش‌بینی نشده است. ظاهراً رهبران اروپا به راهی جز موفق شدن نظام جدید پول واحد اروپایی قائل نیستند.